

حکمت

دعای ۴۵ صحیفه سجادیه
امام سجاده (ع)

سلام بر تو ای گرامی ترین همنشین از میان اوقات! و ای بهترین ماه، در ایام و ساعات!

سلام بر تو، ماهی که در آن، آرزوها و حاجات، به برآورده شدن نزدیک است؛ و اعمالی که موجب خشنودی خداست، در آن پخش شده.

سلام بر تو، ای هم‌نشینی که هنگام موجود بودن، منزلتش بزرگ؛ و وقت مفقود شدن، فقدانش دردناک؛ و مایهٔ امیدی که دوری‌اش، رنج‌آور است

عمق ماجرا

همان‌طور که در مطلب گذشته گفته شد، cyberbullying یا قلدری مجازی به هر نوع رفتار خشن و تهدیدآمیز و آزار و اذیت گفته می‌شود که در بستر اینترنت برای فرد اتفاق بیفتد. گاهی تفاوت ظاهری در یک نوجوان مانند چاقی و لاغری یا رنگ پوست، سطح اقتصادی و حتی اعتقادات و فرهنگ جاری در خانواده یک نوجوان می‌تواند باعث شود از سمت همسالان یا افراد حاضر در شبکه‌های اجتماعی مورد قلدری واقع شود.

تردیدی وجود ندارد که آزار و اذیت اینترنتی آسیب‌زا است؛ طبق تحقیق که سال ۲۰۱۲ بین نوجوانان دبیرستانی در آمریکا انجام شد، یک سوم دانش‌آموزانی که به‌صورت آنلاین مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند، علائم افسردگی را گزارش کردند، این رقم در مورد کسانی که آزار و اذیت آنلاین و آفلاین را با هم تجربه می‌کردند تقریباً به یک دوم افزایش یافته بود.

نوجوانان در مواجهه با قلدری مجازی، ابتدا آن را شوخی یا رفتاری جذاب و بامزه تلقی می‌کنند، در حالی که این مدل رفتارها که به شوخی تعبیر می‌کنند، در بلند مدت پیامدهای جدی خواهد داشت.

یکی از دلایلی که باعث می‌شود قلدری مجازی از قلدری واقعی بیشتر آسیب‌زننده این است که در فضای مجازی و اینترنت همواره تعداد بی‌شماری از شاهدان نامرئی حضور دارند. یعنی مانند تجربه حقیقی نیست که فرد در کوچه‌ای تارک توسط اراذل کتک بخورد، بلکه مانند این است که وسط حیاط مدرسه یا میدان شهر افرادی به او حمله کنند و در این میان، افراد ناشناس دیگری که هیچ‌کدام از طرفین را نمی‌شناسند هم وارد عمل شوند و لگدی بزنند.

همچنین فناوری جدید دسترسی نوجوانان را افزایش داده و آنها قادر هستند اهداف خود را در هر مکان و زمان آزار بدهند. در شرایط حقیقی افراد باید این رفتارهای خشن را گزارش دهند، اما یک نوجوان چگونه می‌تواند حمله‌ای را گزارش کند که هیچ زخم جسمی بر جای نگذاشته و توسط یک مهاجم بی‌نام و نشان اتفاق افتاده؟ آیا برای او، پیامد گفتن ماجرا به یک بزرگسال بیش از تحمل خود قلدری نیست؟

حقیقت تلخ و تکان‌دهنده اینجاست که والدین و معلمان میل به کمک و حمایت از کودک و نوجوان را دارند، اما بسیاری از آنها برای کنترل قلدری در دنیای دیجیتال مجهز نیستند. در واقع نه شناختی از قلدری مجازی دارند و نه راهی برای مقابله با آن بلدند.

قربانی کیست؟ مجرم کجاست؟

حدود چهار سال پیش سریالی براساس رمان

قلدری مجازی با روح ما چه می‌کند؟

دردهای من نهفتنی است



زهرامالینی

کارشناس سواد رسانه

مدتی پیش در شبکه‌های اجتماعی ویدیوی کوتاهی از دختر بچه‌ای سیاه‌پوست مورد توجه قرار گرفت، مادر در حال بستن موهای دختر بچه بود و دختر بچه در فکر فرو رفته بود و بعد شروع به گریه کرد. مشخص بود دخترک پس گفت: من خیلی زشتم. و بعد شروع به گریه کرد. مشخص بود دخترک پس از کشمکش درونی و طولانی دیگر نتوانسته این زخم بزرگ و عمیق را در قلب کوچک خود نگاه دارد. مادر شروع به گفت‌وگو با دختر بچه کرد و او را در آغوش گرفت. ویدیو به سرعت در شبکه‌های اجتماعی پخش شد و افراد مختلف نظرات مشابهی روی ویدیو دادند، به نظر می‌آید جمله ساده دختر بچه و اشک‌هایش را بسیاری تجربه کرده‌اند. آیا جنسیت در این احساس مشترک مهم بود؟ خیر، افراد مختلف در سنین متفاوت در جمع‌هایشان زخمی روحی دریافت می‌کردند که نمی‌توانستند به کسی آن را نشان دهند و به سادگی هم درمان‌پذیر نبود. نوجوانان و کودکان هر روز در شبکه‌های اجتماعی با چنین زخم‌هایی مواجه می‌شوند و نظرات مختلفی درباره ظاهر و لباس و بدن و شخصیت‌شان از سمت جامعه دوستان یا افراد ناشناس می‌شنوند. اما چگونه می‌توان این ماجرا را مدیریت کرد؟

هستیم که شخصیت اصلی سعی دارد به تنهایی از پس این زخم‌ها بربیاید، در حالی که اگر والدین و معلمان دید دقیق‌تری نسبت به شرایط نوجوان داشتند و دقت بیشتری در احوال او می‌کردند می‌توانستند دختر را نجات دهند. در حالت کلی اما باید دانست در یک سناریو آزار و اذیت اینترنتی تفکیک واضحی بین هدف و عامل نمی‌توان انجام داد، مانند شخصیت‌های همین سریال گاهی دشوار است که قربانی را پیدا کنیم. در فضای مجازی ارتباط نزدیکی بین اهداف و عاملان وجود دارد. در مطالعه‌ای که سال ۲۰۰۹ در کانادا انجام شد،

نیمی از آزارگران اعتراف کردند خود نیز مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند. بنابراین به هیچ وجه دور از نظر نیست که دو طرف یک ماجرای مزاحمت اینترنتی خود را قربانی بدانند.

چالش‌های مقابله با آزار

یکی از چالش‌های مقابله با این ماجرا این است که مفهوم «آزار و اذیت اینترنتی» اغلب بار معنایی پایینی برای نوجوانان دارد. بسیاری از فعالیت‌هایی که مزاحمت اینترنتی است مانند شایعه‌پراکنی یا حذف بعضی از همسالان از گروه‌های دوستانه از نظر نوجوانان نوعی شوخی به حساب می‌آید.

دلایل مختلفی برای این نوع نگاه به قلدری مجازی وجود دارد، درواقع نوجوانان ترجیح می‌دهند کارشان در دسته قلدری قرار نگیرد و به عنوان یک شوخی تلقی شود، چرا که در این مدل نگاه برای هر دو طرف شرایط ساده‌تر خواهد شد. مجرم لازم نیست که خود را به عنوان یک قلدر قلمداد کند و هدف لازم نیست که خود را به عنوان یک قربانی ببیند.

آزار و اذیت اینترنتی اغلب دور از نظر بزرگسالان اتفاق می‌افتد. بنابراین، شاهدان مزاحمت اینترنتی نقش بسیار مهمی دارند. پاسخ و رفتار شاهدان، چه در زمان وقوع آزار و چه پس از آن، می‌تواند تفاوت چشمگیری در تأثیر یک قلدری ایجاد کند.

تأثیر حضور شاهدان در یک ماجرای قلدری به قدری است که می‌تواند باعث شود اتفاق خشن‌تر پیش رود. در تحقیقی که در سال ۲۰۰۸ توسط دانشگاه تورنتو انجام شد، از ۲۸ درصد دانشجویانی که مشاهده یک آزار اینترنتی را گزارش کرده بودند، تنها نیمی از آنها در برابر آزار و اذیت اینترنتی واکنش نشان داده‌اند و نیمی دیگر با آن همراه بودند.

با توجه به ارتباط نزدیک بین آزار و اذیت آنلاین و آفلاین، جای تعجب نیست که بسیاری از آزارهای آنلاین در چارچوب روابط شکل گیرد. دختران و پسران هر دو مرتکب خشونت در روابط آنلاین شده‌اند و با درصدی مساوی هدف آن قرار گرفته‌اند.

روابط عاطفی بین نوجوانان در بسیاری از قلدری‌های مجازی بستری است برای بروز این رفتارهایی مثل تهدید، تحقیر و باج‌گیری. اما بزرگ‌ترین مشکلی که این مدل قلدری در مقابل قلدری حقیقی دارد این است که نمی‌توان به‌صورت کامل فرد قلدر را دور کرد. آگاهی از این جزئیات و عمق ماجرا و شناخت احساسات و خطرات پشت این رفتارها به ما کمک می‌کند گام بعدی، یعنی حمایت از فرزندمان را جدی‌تر و محکم‌تر برداریم.